

نقش مردم‌یاری فرهنگی در مدیریت بحران با تأکید بر بحران کردستان ایران در دهه ۱۳۶۰

دکتر محمدحسین الیاسی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

فصلنامه مطالعات بسیج، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۳

چکیده

در این تحقیق ابتدا اقدامات فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بحرانی که حدود یک دهه (۶۸-۱۳۵۹) در مناطق کردنشین ایران جریان داشت، مرور شدند. در مرور مردم‌یاری فرهنگی سپاه، آشکار شد که آن نهاد برای منزوی ساختن گروه‌های بحران‌آفرین و ایجاد فاصله روانی بین آنان و توده‌های مردم، پاره‌ای از اصول اساسی را وجهه همت خویش قرار داده است. تکریم مردم، مخالفت با آداب و سنن قومی و تجلیل از شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی آن دیار، از جمله برخی از آن اصولند.

پس از مرور مردم‌یاری فرهنگی سپاه، میزان اثربخشی آن مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. برای این منظور، نظرات و نگرشها و مواضع عده‌ای از شهروندان استان کردستان پیرامون آن اقدامات، با استفاده از یک مقیاس اندازه‌گیری پایا و معتبر مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل، بیانگر نگرش مطلوب مردم کرد پیرامون پاسداران، کنشهای آنان، و انواع اقدامات مردم‌یاری فرهنگی بود.

واژگان کلیدی

مردم‌یاری فرهنگی، بحران، کردستان، طرحهای فرهنگی، الگوی رفتاری، نظرات، نگرشها، گروههای شورشگر

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، مناطق کردنشین ایران، اعم از مناطقی که در محدوده جغرافیایی سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه قرار دارند، به محل فعالیت سیاسی - شبه نظامی گروهها، احزاب و سازمانهایی تبدیل شد که با ایدئولوژی انقلاب اسلامی مخالفت می‌ورزیدند. این دسته‌جات سیاسی - شبه نظامی که عمدتاً در زمره گروههای چپ (مارکسیست) جای می‌گرفتند، مناطق کردنشین را به سبب ویژگیهای سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی، قومی و فرهنگی - مذهبی آن، محدوده‌ای مناسب برای مبارزه و مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی یافته بودند. از همین رو، در طول چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی (از بهمن ۱۳۵۷ تا اوایل ۱۳۵۹) بسیاری از احزاب و سازمانهای چپی ایران؛ نظیر حزب توده، چریکهای فدایی خلق، سازمان پیکار و سازمان مجاهدین خلق که نظام اعتقادی و ایدئولوژیکی آنها سختی با قوم‌گرایی (ناسیونالیسم) کردی نداشت، به گروهها و دستجاتی نظیر حزب دمکرات کردستان، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله)، سپاه رزگاری و خه‌بات پیوسته بودند که مدعی مبارزه برای دستیابی به «خودمختاری برای کردستان» بودند.

اقدامات تبلیغاتی، فرهنگی و نظامی (شورشگرانه) گروهها و دستجات سیاسی - شبه نظامی پیش‌گفته، در آغاز در راستای اهداف و مقاصد آنان نسبتاً موفقیت‌آمیز بود؛ چه، آنان در خلأ قدرت ناشی از عدم حضور نهادهای نظامی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توانسته بودند: (۱) هزاران نفر را به نام «پیشمرگ» سازماندهی کنند؛ (۲) تمامی شهرها و روستاهای کردنشین و سنی‌مذهب (به استثنای چند شهر و بخش کوچک نظیر پاوه) را به تصرف خود درآورند؛ (۳) دهها پاسگاه، پایگاه و پادگان نظامی جمهوری اسلامی را خلع سلاح کنند؛ (۴) حمایت سیاسی چندین نهاد سیاسی خارجی را جلب کنند؛ و (۵) توده‌های کرد را برای مشروعیت بخشیدن به موجودیت سیاسی خود به خیابانها بکشانند. (ابراهیمی، ۱۳۷۰)

دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران جهت جلوگیری از خونریزی، و به منظور حل مسائل موجود، سیاست مذاکره و مصالحه را در پیش گرفت. گرچه این مذاکرات به دلایل مختلف، از جمله انعطاف‌ناپذیری نمایندگان گروههای شورشگر و عدم اعتقاد

عمیق آنان به مذاکره، سرانجام پس از چند ماه به شکست انجامید و احزاب و دستجات چپ نتوانستند از آن طریق به هیچ امتیاز سیاسی یا قومی دست یابند، اما بر میزان گرایش کردها به گروههای چپ (به ویژه آنهایی که مدعی مبارزه برای کسب خودمختاری بودند) افزود؛ چه، بسیاری از کردها، مذاکره جمهوری اسلامی با گروههای شورشگر را نوعی «به رسمیت شناختن شدن» آنان می‌دانستند (منوچهری، ۱۹۹۴). آشکار است که دستگاه تبلیغاتی گروههای شورشگر نیز نقش پراهمیتی در ترویج این طرز تلقی عهده‌دار بوده است.

شکست مذاکرات نمایندگان دولت با نمایندگان گروههای شورشگر، جمهوری اسلامی به ویژه نهادهای انقلابی آن (نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب شکل گرفته بود تا از انقلاب پاسداری کند) را متقاعد ساخت که «مسأله کردستان» صرفاً از طریق مذاکره قابل حل نیست. از همین رو، در ماههای آغازین سال ۱۳۵۹، پس از یورش غافلگیرانه صدها تن از نیروهای شورشگر به یک ستون نظامی ارتش جمهوری اسلامی در سنندج^۱، جرقه نبرد ضدشورشگرانه جمهوری اسلامی برای بازپس‌گیری مناطق تحت اشغال گروههای معارض زده شد.

پس از پاکسازی کامیاران در روزهای آغازین فصل زمستان سال ۱۳۵۸ ه. ش. توسط تعدادی از پاسداران مستقر در کرمانشاه و نیروهای کرد هوادار جمهوری اسلامی، که در قالب نهادی تحت عنوان «سازمان پیشمرگان مسلمان کرد» و تحت فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازماندهی شده بودند، سنندج نخستین شهر کردنشین بود که عملیات پاکسازی آن در آغاز دومین ماه سال ۱۳۵۹ شروع شد. عملیات پاکسازی این شهر مهم و حیاتی بیش از آنچه تصور شده بود به درازا کشید.

۱- این ستون در اولین روزهای فروردین سال ۱۳۵۸ به قصد استقرار در مناطق مرزی (مرز ایران - عراق) از تهران به سوی کردستان حرکت کرده بود. اما تحصن هزاران تن از هواداران گروههای شورشگر شهر سنندج مانع از ورود آن به شهر سنندج شده بود. سرانجام فرماندهان این ستون پس از مذاکره با سران و نمایندگان گروههای شورشگر، متقاعد شده بودند که ستون را از جاده کمربندی شهر عبور دهند. اما چنین پیداست که سران گروههای شورشگر در مذاکره با فرماندهان ارتش از ترفند «فریب» استفاده کردند؛ چه، لحظاتی پس از ورود ستون عظیم ارتش به جاده کمربندی، هزاران نیروی شورشگر آن را آماج حملات گسترده قرار دادند و سرانجام نیز این ستون متلاشی شد.

یکی از عوامل اساسی طولانی شدن عملیات پاکسازی آن شهر ۳۰۰ هزار نفری، تلاش نیروهای شرکت‌کننده در آن عملیات، به ویژه سپاه پاسداران و سازمان پیشمرگان مسلمان کرد، برای پیشگیری از کشته و زخمی شدن ساکنان آن شهر بود؛ زیرا، به باور بسیاری از فرماندهان آن عملیات، «چنانچه نیروهای جمهوری اسلامی عنصر مردم را نادیده می‌گرفتند، و محل تجمع نیروهای ضدانقلاب را آماج حمله بی‌امان توپخانه و بمباران هوایی قرار می‌دادند، در مدت زمانی کمتر از یک هفته شهر سنندج از وجود عناصر ضدانقلاب پاکسازی می‌شد». البته، در طولانی شدن عملیات آزادسازی سنندج، حضور بسیاری از اعضای گروه‌های اصلی و فعال کومله، دمکرات و فداییان خلق را در سنندج نباید نادیده گرفت، که از مدتی پیش از شهرهای مختلف کردستان برای مقابله با نیروهای جمهوری اسلامی به آن شهر فراخوانده شده بودند؛ چه، بسیاری از رهبران و عناصر اصلی گروه‌های مذکور (برای مثال خاطرات غنی بلوریان، سردسته منشعبین کنگره چهار حزب دمکرات، مصاحبه مهتدی با BBC و جز آن را بنگرید) اذعان دارند که «همه احزاب و گروه‌های شورشگر و ضدانقلاب به این تحلیل رسیده بودند که از دست دادن سنندج به معنی از دست دادن کل کردستان است. به همین سبب تمام توان و انرژی خود را برای جلوگیری از سقوط سنندج به کار بسته بودند. آنان حتی از ایجاد سپر انسانی برای منصرف ساختن نیروهای جمهوری اسلامی از جمله به اماکن مختلف شهر استفاده کرده بودند».

اما سرانجام پس از یک ماه، سنندج آزاد شد. به تعبیر غنی بلوریان: «ضربه آزادسازی سنندج برای گروه‌های اصلی کرد آنچنان مهلک و ویرانگر بود که در کمتر از یک ماه پس از آن، حزب دمکرات و سازمان چریک‌های فدایی خلق تن به دو انشعاب اساسی دادند. از حزب دمکرات کنگره چهارمی منشعب شدند و از ادامه مبارزه مسلحانه دست کشیدند و تسلیم نیروهای جمهوری اسلامی شدند.^۱ چریک‌های فدایی خلق نیز به دو گروه اقلیت و اکثریت منشعب شدند. گروه اکثریت سلاح بر زمین نهاد و از ادامه مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی دست کشید».

۱- وابستگی حزب دمکرات کردستان ایران به رژیم بعث عراق از دیگر عوامل عمده انشعاب در حزب دمکرات بود (جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به خاطرات غنی بلوریان، ناله کوک (برگ سبز)، ترجمه رضا خیری‌مطلق، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹).

پس از پاکسازی سنندج، سایر شهرها و روستاها و مناطق استراتژیک کردستان یکی پس از دیگری آزاد شدند. لیکن آزادی مناطق کردنشین به یکباره محقق نشد. بلکه، پاکسازی مناطق کردنشین (به ویژه روستاها) فرآیندی کند و طولانی بود. به تعبیر فرماندهان سپاه در کردستان: «جمهوری اسلامی برای پاکسازی مناطق کردنشین هرگز از راهبرد سرزمین سوخته، که پیشتر همسایگانش برای مقابله با جنبشهای کردی از آن استفاده کرده بودند، پیروی ننمود. چه، رهبری انقلاب در پیامها و سخنان خویش همواره تأکید نموده بودند که حساب مردم مسلمان کرد از حساب مثنی گروه ضدانقلاب و وابسته جداست. به همین سبب، سپاه سعی کرد تا به هنگام پاکسازی مناطق مختلف، به ویژه مناطق مسکونی، به گونه‌ای عمل کند که خون هیچ بی‌گناهی به زمین ریخته نشود. گرچه سپاه به سبب اتخاذ چنین راهبردی، لاجرم متحمل تلفات و هزینه‌های زیادی می‌شد، اما در عوض نزد مردم مسلمان کرد روسفید و سرافراز قد علم می‌کرد».

افزون بر آن، سپاه با پاکسازی مناطق کردنشین مأموریت خود را پایان یافته تلقی نکرد. بلکه به باور سپاه؛ «مأموریت اصلی سپاه در مناطق کردنشین پس از پاکسازی آن مناطق شروع شد». مأموریت اصلی سپاه در مناطق کردنشین «تعالی فرهنگی مردم کرد»، «تقویت ارزشها و هنجارهای دینی»، «تحکیم و تثبیت جایگاه و منزلت نظام تازه تأسیس شده در مناطق کردنشین»، «کاهش حس واگرایی»، «سلب دائمی پایگاه و مشروعیت مردمی گروههای ضدانقلاب و شورشگر» و اهداف دیگری نظیر این بود. سپاه برای تحقق اهداف و مأموریت‌های پایدار و اساسی خویش در مناطق کردنشین از راهبردها، روشها و ابزارهای مختلف بهره گرفت. یکی از اساسی‌ترین آن راهبردها، «مردم‌یاری فرهنگی» بود.

منظور از «مردم‌یاری فرهنگی»، مجموعه اقداماتی است که به منظور اشاعه و گسترش برخی از ارزشها و هنجارها، تغییر برخی آداب و رسوم و الگوهای فرهنگی، بهبود شاخصهای کمی و کیفی فرهنگی، بهبود آگاهیهای عمومی و ترویج گسترش آموزش رسمی و عمومی صورت می‌گیرد. باور بر آن است که برای حل مشکلات و تنشهای قومی درون کشورهای مختلف، یکی از اثربخش‌ترین روشها، جلوگیری از

ترویج روشهای واگرایی قومی و ترغیب و تشویق روشهای ایجاد و گسترش پیوند و انسجام قوم متمایل به همگرایی با سایر اقوام، به ویژه اقوام مرکزی است (گرینگور، ۱۹۹۸).
 مردم‌یاری (اقدامات) فرهنگی، به ویژه با تأکید بر اشتراکات فرهنگی (اعم از اشتراکات مذهبی، زبانی، ملی و جز آن)، یکی از اثربخش‌ترین روشهایی است که انسجام ملی اقوام درون یک کشور را نیرومند می‌سازد و از واگرایی قومی جلوگیری می‌کند (ستارک، ۱۹۹۱). به همین سبب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از یک سو و جبران کاستی‌ها، اجحافات و ضعفهای آموزشی و فرهنگی ناشی از تدابیر رژیم استبدادی پهلوی در کردستان همراه با نهادهایی که همگام با آن برای حل بحران کردستان در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی گام فراسو نهاده بودند، برای حل بنیادی بحران کردستان، از سوی دیگر، بخش متناسبی از نیرو، امکانات و تدابیر خود را معطوف مردم‌یاری (اقدامات) فرهنگی در مناطق کردنشین کرد. در این مقاله تلاش بر آن است تا نخست مجموعه آن اقدامات به اختصار مرور شوند، آن‌گاه میزان اثربخشی آنها از نگاه مخاطبین و آماجهای آنها؛ یعنی مردم کرد، مورد ارزیابی قرار گیرد.

طرح مسأله

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان اصلی‌ترین نهاد مسئول و متولی مقابله با عوامل ضدانقلاب و گروههای شورشگر و عناصر مروج واگرایی قومی در بحران کردستان، طی حدود یک دهه (اولین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی) حیطه عملکرد و کنش‌وری خود را هرگز در سطح نظامی و شبه‌نظامی محدود نداشت؛ زیرا بر این باور بود که؛ «گرچه شاید بتوان با اقدامات شدید نظامی در فرآیندی نه چندان طولانی عوامل مخالف و شورشگر را از میان برداشت و خطر و تهدید نظامی آنان را از بین برد، اما بدون از میان برداشتن فاصله اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میان نظام و قوم کرد، تغییر نگرش و مواضع آنان نسبت به نظام سیاسی و دینی حاکم و نیز نمایان ساختن اهداف و مقاصد واقعی گروههای مدعی خودمختاری قوم کرد، ریشه بحران کردستان، و زمینه‌های بروز آن هرگز از میان برداشته نخواهد شد». به تعبیر دیگر، سپاه بر این باور بود که در بحران کردستان مبارزه اصلی باید معطوف به از میان برداشتن

«عوامل زمینه‌ساز» باشد. چه، همین عواملند که در یک قرن گذشته هر از چندگاهی، با بروز تغییراتی در بافت و ساختار نظام سیاسی مرکزی ایران (و البته کشورهای ترکیه و عراق) موجب بروز بحران در مناطق کردنشین شده‌اند. از همین رو، سپاه پس از ورود به کردستان و آغاز مبارزه با عناصر و عوامل شورشگر و ضدانقلاب، فعالیت خویش را به حیطه‌های مختلف امدادی، اجتماعی، آموزشی، به‌ویژه فرهنگی، گسترش داد. چه، رفع ستم و تعالی فرهنگی و بهبود و اصلاح کنشهای عمومی و «دستکاری» برخی گرایش‌ها، مواضع، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری مردم آن دیار، را چاره حل و رفع بنیادی بحران کردستان می‌دانست.

ناظران حوادث و بحران کردستان اذعان می‌دارند که سپاه در دوران بحران کردستان اقدامات فرهنگی زیادی انجام داده که اثرات پایداری را از خود برجای نهاده است. اما، علی‌رغم سپری شدن بیش از یک دهه از پایان بحران کردستان، اقدامات فرهنگی سپاه در آن دوران و رویکرد و نگرش مردم کرد به آن اقدامات، و نیز میزان اثربخشی آن اقدامات ثبت و ارزشیابی نشده است. به تعبیر دیگر، اینک علاقه‌مندان پیگیری مسائل کردستان و کارشناسان علاقه‌مند به بررسی مسائل قومی و حتی مدیران و کارشناسان درگیر مسائل کردستان، سؤالات اساسی ذیل را پیش رو می‌بینند:

۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران بحران کردستان برای مقابله بنیادی و کارآمد با عوامل زمینه‌ساز شورش‌های قومی و تحرکات واگرایانه در آن دیار، در قلمروهای مختلف فرهنگی چه اقداماتی انجام داده است؟

۲- سپاه اقدامات فرهنگی خود را با تبعیت از کدامین اصول و راهبردهای بنیادی انجام داده است؟

۳- پاسداران درگیر در بحران کردستان چه میزان توانسته‌اند با کنش‌ها، تعامل‌ها و موضع‌گیری‌های خویش بر نگرش‌ها و مواضع مردم کرد تأثیر بگذارند؟ آیا اقشار و گروه‌های مختلف تأثیرات متفاوتی از کنش‌ها و رفتارهای پاسداران پذیرفته‌اند؟

۴- مردم کرد چه میزان از عملکرد فرهنگی سپاه و سایر نهادهای انقلابی، در بحران کردستان رضایت دارند؟ آیا در این زمینه تفاوت‌های معناداری بین نظرات گروه‌های مختلف مردم کرد وجود دارد؟

۵- افشار مختلف مردم کرد چه میزان از جهت گیری اقدامات (مردم یاری) فرهنگی سپاه رضایت دارند؟

ادبیات موضوع

تعاریف متعددی از مردم یاری فرهنگی به عمل آمده است. گروه (تیم) تدوین گر عملیات مردم یاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با بازنگری اقدامات فرهنگی آن نهاد در مناطق کردنشین ایران تعریف ویژه ای از «عملیات مردم یاری» به دست داده اند. به باور آنان:

مراد از مردم یاری فرهنگی مجموعه اقداماتی است که به منظور (۱) تقویت بینش دینی، (۲) تبیین و ترویج آرمانهای انقلاب اسلامی، (۳) تعالی فرهنگ عمومی، (۴) اصلاح الگوهای رفتاری، (۵) افزایش و بهبود شاخصهای کمی فرهنگی و (۶) افشای ماهیت گروههای وابسته به بیگانگان، صورت گرفته است.

از تعریف مذکور چنین پیداست که «مردم یاری فرهنگی» سپاه در مناطق کردنشین، هم شامل اشاعه فرهنگی بوده است و هم فرهنگ پذیری^۱. به همین سبب، در سطور زیر پس از بررسی مردم یاری سپاه در سالهای بحرانی کردستان، دیدگاههای نظری اشاعه فرهنگی و فرهنگ پذیری مرور می شوند؛ زیرا مرور آن دیدگاهها به تعیین فرآیند اثرگذاری مردم یاری فرهنگی کمک می کند.

ولرشتاین (۱۹۸۵) در گزارشی مجمل، سابقه تاریخی مردم یاری فرهنگی را در سده بیستم مرور کرده است. به باور او «گرچه از دیرباز اشکالی از مردم یاری فرهنگی وجود داشته است، اما تنها در سده بیستم میلادی و با وقوع جنگهای فراگیر و گسترده است که مردم یاری فرهنگی به شکل سازمان یافته و از پیش برنامه ریزی شده صورت گرفته است».

گدوین^۲ (۱۹۹۸) نیز ضمن تحلیل و بررسی فرآیند مردم یاری فرهنگی در جنگهای جهانی اول و دوم، جنگهای ویتنام و افغانستان و جنگ دوم خلیج فارس، کشورها را از جهت اثربخشی مردم یاری آنان، به دو گروه موفق و ناموفق تقسیم کرده است. به باور

1- Acculturation

2- Geadvin

او: «کشورهایی که پس از حضور نظامی در مناطق مورد مناقزه، نه تنها ارزشها و باورهای بنیادین اهالی بومی را به صورت مستقیم مورد آماج قرار نداده، بلکه حتی خود را حامی آن نشان داده‌اند، عملیات مردم‌یاری موفق داشته‌اند. اما کشورهایی که پس از حضور نظامی، تلاش اصلی خود را معطوف تغییر باورهای بنیادی مردم آن کشور نموده‌اند، اغلب اقدامات مردم‌یاری فرهنگی آنان موفقیت زیادی را نصیب آنان ن ساخته است». (گدوین، ۱۹۹۸، ص ۲۹)

گدوین اقدامات فرهنگی دولت تحت حمایت شوروی سابق را در افغانستان «نمونه‌ای برجسته از اقدامات شکست خورده» می‌داند. او بر این باور است که: «ایدئولوژی مارکسیسم در تضاد آشکار با ایدئولوژی اکثریت مردم افغانستان (اسلام) قرار داشت». (ص ۳۳)

گدوین تأکید می‌کند: «تغییرات فرهنگی اغلب بطئی، کند و تدریجی‌اند. از همین رو، کشورهایی که در سناریوی مردم‌یاری فرهنگی خود در پی تغییر عمیق و سریع فرهنگهای آماج هستند، اغلب با شکست روبه‌رو می‌شوند». (ص ۵۷)

او یادآوری می‌کند که: «در ادوار گذشته فرهنگهایی نیز بوده‌اند که در مدت زمان محدودی پس از یورش کشورهای مهاجم از پای درآمده و به کلی محو شده‌اند». او، در تبیین این تفاوتها به ویژگیها، ساختار و میزان انسجام فرهنگ مورد تهاجم اشاره کرده، و خاطر نشان ساخته است: «فرهنگی که انسجام آن فوق‌العاده زیاد (نظیر قبایل ابتدایی) یا فوق‌العاده ناچیز (نظیر برخی کشورهای وابسته و مستعمره) باشد، قدرت سازگاری آن پایین باشد و نتواند کارکردهای اساسی و مورد انتظار از یک فرهنگ را ایفا کند، زودتر از سایر فرهنگها در برابر عملیات فرهنگی کشورهای آماج، از پای درمی‌آید». (گدوین، ۱۹۹۸، ص ۶۳)

السون^۱ (۲۰۰۰) نیز سابقه عملیات فرهنگی کشورها را برای گروههای قومی خویش مورد بررسی قرار داده است. به باور او، بسیاری از کشورها در عملیات فرهنگی خود برای گروههای قومی داخلی در پی «ایجاد انسجام فرهنگی و ملی» بوده‌اند. برای مثال، رهبران حزب کمونیست شوروی طی چندین دهه حاکمیت خویش تلاش کردند تا واگرایی فرهنگی و قومی را کاهش و همگرایی ملی را افزایش دهند. به اعتقاد او، آنان

در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتند، «چون توانستند بسیاری از گرایش‌های قومی را تنزل دهند».

السون، برخلاف محققانی همچون مک‌نلی^۱ (۱۹۹۸) که فروپاشی نظام سیاسی حاکم بر شوروی و تجزیه آن کشور را دلیلی بر شکست کمونیست‌ها در ایجاد و افزایش انسجام ملی و فرهنگی می‌دانند، معتقد است که: «پس از فروپاشی شوروی همچنان بسیاری از مردم کشورهای تازه استقلال‌یافته (مشترک‌المنافع) هم مثل هم می‌اندیشند و هم مانند هم رفتار می‌کنند». (اسول، ۲۰۰۰، ص ۴۱۲)

محققان و نویسندگانی همچون کریس کوچرا (۱۳۷۷)، درک کینان (ترجمه یونسی، ۱۳۷۶)، عصمت شریف و انلی (۱۹۸۶) ادموندز (۱۹۷۴) در تحقیقات و بررسی‌های خود پیرامون رویارویی کردان عراق و ترکیه با رژیم‌های خود، و نیز رویارویی کردان ایران با حکومت مرکزی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، گزارش‌های پراکنده‌ای پیرامون عملیات فرهنگی حکومت‌های درگیر با کردها به دست داده‌اند. به باور آنان، همه آن رژیم‌ها از یک سو سیاست خود را بر سرکوبی شدید کردها بنا نهاده و از سوی دیگر، تمامی سعی و تلاش خود را معطوف «مسخ فرهنگ ملی» کردان نموده‌اند. برای مثال، کریس کوچرا به نقل از سیدرضا در خصوص اقدامات فرهنگی ترکیه برای کردهای آن کشور، می‌نویسد: «سالهاست دولت ترکیه می‌کوشد ملت کرد را تحلیل ببرد. بدین منظور مردم کرد را سرکوب می‌کند، مطبوعات و نشریات و زبان کردی را ممنوع کرده‌است و مردمی را که به زبان مادری خود سخن بگویند تعذیب و آزار می‌کند، و با کوچاندن‌های اجباری و منظم، و مبتنی بر اسلوب جمعیت، مناطق حاصلخیز کردستان را به سرزمین‌های بی‌آب و علف آناتولی منتقل می‌کند، که در آنجا کوچیدگان، گروه گروه تلف می‌شوند». (۱۳۷۷، ص ۱۵۶)

کریس کوچرا و نوری در سیمی (۱۹۸۳) بر این باورند که عراق، پس از روی کار آمدن بعثی‌ها، سیاست فرهنگی خود را معطوف «عربی کردن کردستان» کرد. به باور کریس کوچرا:

«نوآوری و ابداع بعث، اقدام او به عربی کردن منظم و مبتنی بر اسلوب مناطق کردنشین است و این سیاستی است که پس از بازگشت به قدرت در

سال ۱۹۶۸ از نو دنبال می‌کند. از همان آغاز، ارتش، ساکنان کرد را از مناطق سوق‌الجیشی - یعنی مناطق مرزی و نفتی - می‌راند. روستاهای کرد را بمباران می‌کند و آتش می‌زند و با بولدوزر با خاک یکسان می‌کند. به این ترتیب تنها در منطقه کسرکوک قریب به ۴۰۰۰۰ کد د از خانه‌ها و روستاهای خود رانده می‌شوند. در دشت اربیل نیز عملیات "عربی کردن" منظم و مبتنی بر اسلوب دنبال می‌شود». (۱۳۷۷، ص ۲۶۹)

جانان‌تان رندل (۱۳۷۹) در تحقیقی گسترده پیرامون رویارویی کردان ترکیه و عراق با حکومت‌های مرکزی آن دو کشور، نشان داده است که هیچ‌یک از آن دو کشور، مگر از سر مصلحت و ناگزیری، هویت قومی و فرهنگی کردها را به رسمیت نمی‌شناسند. به ویژه او واکنش ترکیه در برابر کردها و فرهنگ قومی آنان را شدیدتر و خشن‌تر ارزیابی می‌کند. به باور او: «پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تأسیس جمهوری توسط آتاتورک، زبان و لباس کردی و مدارس و انجمنها و نشریات کردی و طریقتها ممنوع شد، حتی اندیشه کرد بودن از میان برخاست. از آن پس کردها به ترکهای کوهی بدل شدند. این شعار کمالیستی با حروف بسیار درشت بر تپه‌ها و در و دیوارها نقش شد که: خوشا به سعادت آن که می‌تواند خود را ترک بخواند». (ص ۱۵۸)

بنابراین، از یافته‌ها و گزارشهای محققان و نویسندگان مختلف می‌توان نتیجه گرفت که عملیات فرهنگی ترکیه و عراق در مناطق کردنشین آن کشورها، اساساً معطوف تحلیل و مسخ فرهنگی کردی و شخصیت و هویت قومی کردان بوده است. آنان هیچ‌گاه، مگر از سرناچاری و مصلحت سیاسی موقت، در پی تقویت هویت فرهنگی کردان و زبان و هنر و فولکلور آنان برنیامده‌اند.

در ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز، عملیات فرهنگی رژیم پهلوی در مناطق کردنشین معطوف به گسترش ناسیونالیسم ایرانی، جلوگیری از واگرایی قومی و ممنوع ساختن کتابت و هر نوع اقدام فرهنگی کردی بوده است. چون «رژیم پهلوی بر این باور بود که تاریخ، زبان و فرهنگ کردی مانع از تحکیم پیوند کردان با فرهنگ و ناسیونالیسم ایرانی می‌شود» (میلیجن، ۱۹۸۷). اما، اگرچه بسیاری از تحلیلگران مسائل کردستان و تاریخ‌نویسانی نظیر درک کیسان، شریف وانلی و ساموئل ویلسون، تأیید می‌کنند که رژیم

پهلوی «خواندن و نوشتن به زبان کردی را ممنوع ساخت، از فعالیت انجمنها و دستجات فرهنگی کردی ممانعت نموده و از به رسمیت شناختن فرهنگ کردی سرباز زد»، ولی موضع گیری و شدت عمل فرهنگی او علیه کردان هرگز همانند عراق و ترکیه شدید نبود؛ چه، او هیچ گاه نه کردان را فارس نامید، نه تکلم آنان را به زبان کردی، مگر در مراکز آموزشی و اداری، ممنوع ساخت و نه آنان را مجبور به نپوشیدن لباس کردی، به جز در مراکز دولتی، کرد (واحد پژوهشی رسانه کردی^۱، ۱۹۹۹)، جاناناتان رندل (۱۳۷۹) نیز تأیید می کند که در ایران عملیات فرهنگی و سیاسی علیه کردان هرگز همانند عملیات ترکها علیه آن قوم، شدید و خشن نبوده است. اما او خاطرنشان می سازد که خصومت و نفرت شاهان پهلوی از کردها اگر بیشتر از حکام عراق و ترکیه نبوده باشد، مطمئناً کمتر از آنها نبوده است. لیکن، آنان به سبب ترس از واکنش مردم ایران هیچ گاه نتوانسته اند کمر به محو و مسخ فرهنگ کردی ببندند؛ چه «بین کردها و سایر ایرانیان پیوند فرهنگی، تاریخی و نژادی مستحکمی برقرار است و همین پیوند نژادی و قومی است که پیوند کردهای ایران را با فارسها، از پیوند کردهای عراق و ترکیه با عربها و ترکها متمایز می سازد». (۱۳۷۹، ص ۲۱۵) به همین سبب، درک کینان سالها پیش نوشته است:

«در میان کردان ایران احساسات موافق بسیاری نسبت به ایران و ایرانیان موجود است. این مردم این نکته را نیک احساس می کنند که احساس خصومت ایرانیان نسبت به هویت کردی هرگز به شدت احساس خصومت ترکها و عرب نیست. به همین خاطر همیشه با خوشحالی از خویشاوندی با فارسها یاد می کنند.» (ص ۱۳۴)

عملیات مردم یاری فرهنگی سپاه پاسداران در مناطق کردنشین

با آغاز عملیات فراگیر پاکسازی مناطق کردنشین در بهار سال ۱۳۵۹، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با همکاری برخی نهادها و مؤسسات دولتی، عملیات مردم یاری فرهنگی را آغاز کرد و آن را بیش از یک دهه استمرار بخشید. در سطوری که در پی می آید ابتدا اصول حاکم بر اقدامات فرهنگی سپاه در مناطق کردنشین مرور می شود، آن گاه انواع اقدامات فرهنگی به تفکیک مورد بحث قرار می گیرد.

اصول حاکم بر عملیات مردم‌یاری فرهنگی سپاه در کردستان

کنکاش در مهمترین اقدامات و تلاشهای سپاه در بحران کردستان و گفتگو و مصاحبه با برخی از فرماندهان و مسئولان فرهنگی سپاه در کردستان چنین نشان می‌دهد که سپاه اقدامات فرهنگی خود را در کردستان بر اساس چند اصل اساسی انجام داده است.^۱ اساس حرکت سپاه در منطقه کردستان منبعث از ماهیت انقلاب اسلامی و زمینه فکری آن از حضرت امام خمینی (ره) بوده است. فرماندهان و سیاست‌گزاران مدیریت بحران کردستان متأثر از تأکیدات حضرت امام خمینی (ره) بر ضرورت مردم‌یاری فرهنگی توجه داشتند و جهت‌گیری سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در مورد کردستان مرهون حضرت امام خمینی (ره) بوده که از همان ابتدای آغاز منازعات و بحران کردستان رهنمودهای راهبردی خود را در نحوه برخورد با مردم و گروههای سیاسی مخالف ابراز داشتند. حضرت امام تأکید بر تفکیک بین مردم و گروههای معارض داشتند و برخوردهای متفاوت با هریک را سفارش می‌کردند یعنی با مردم رأفت و با ضدانقلاب شدت عمل.

اصل اول: عدم موضع‌گیری در برابر فرهنگ قومی و مذهبی مردم کرد، و اجتناب و احتراز از تحقیر و هویت فرهنگی و مذهبی آنان

سپاه پاسداران دریافته بود که کردها از یکسو دارای خرده فرهنگی دیرینه و اغلب مشترک با فرهنگ ایرانی هستند و از سوی دیگر پیرو دینی (اسلام) هستند که آنان نیز پیرو آن هستند. افزون بر آن، برنامه‌ریزان فرهنگی سپاه می‌دانستند که «لازمه ایجاد تغییر در برخی عناصر فرهنگی یک قوم و نیز بهبود و تعالی برخی دیگر از شاخصهای فرهنگی آن قوم، اجتناب از موضع‌گیری آشکار و مستقیم در برابر فرهنگ آن قوم است» (اسمیت^۲، مکی^۳، ۲۰۰۱). صرف‌نظر از آن، سپاه هیچ‌گاه در پی «تغییر هویت کردی» مردم مناطق کردنشین نبوده است؛ زیرا به تعبیر کریس کوچرا؛ این رویکرد سالهاست که در کشورهای همسایه ایران ناکارآمدی خود را نشان داده است. برای مثال، شکست کامل

۱- به‌طور کلی در کنار واحدهای فرهنگی، واحد بسیج و حتی واحدهای عملیات و واحدهای رزمی و مقرها و به‌طور کلی فرماندهان متولی امور مردم‌یاری فرهنگی بودند.

2- Smith
3- Mackie

چنین سیاستی را می‌توان در عراق مشاهده کرد. به تعبیر درک کینان؛ عراقی‌ها سالهاست تلاش خود را معطوف عربی کردن مناطق کردنشین و هویت‌زدایی فرهنگی از کردان نمودند. اما، حوادث سالهای دهه ۱۹۸۰ میلادی و نیز حوادث پس از جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) نشان داد که چنین سیاستی، حاصلی برای رژیم بعث عراق در بر نداشته است؛ چون، کردان عراق با استشمام اندکی آزادی و مشاهده ضعف در حکومت مرکزی عراق، به یکپاره علیه حکومت عراق شوریدند و نشان دادند که سیاست «عربی کردن» هرگز نتوانسته است هویت کردی را از آنان سلب کند. (رندل، ۱۳۷۹)

اصل دوم: اجتناب از یکسان‌سازی قومی و فرهنگی

گرچه، سپاه در عملیات مردم‌یاری فرهنگی خود تلاش وسیعی را معطوف افزایش «انسجام فرهنگی» و گسترش پیوند ملی و عاطفی کردان با سایر ایرانیان کرده است، اما از این واقعیت نیز آگاه بوده که جهان کنونی به سوی پذیرش اصل تنوع و تکثر قومی، مذهبی و فرهنگی پیش می‌رود و لاجرم راهبرد یکسان‌سازی قومی و فرهنگی، به ویژه با اجبار، کارآیی خود را از دست داده است (به نقل از گرینگور، ۱۹۹۸). از همین رو، سپاه در اقدامات فرهنگی خود نه تلاشی برای «فارسی کردن کردان» مبذول داشته (گرچه به نقش زبان فارسی در افزایش انسجام فرهنگی و اتحاد ملی تأکید ورزیده است) و نه فعالیت‌های خود را معطوف «شیعه ساختن کردهای سنی» کرده است.

اصل سوم: گسترش اخوت و وحدت اسلامی

سپاه با تاسی به آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا»، کردان را - و نه نیروهای شورشگر کرد را - برادران و خواهران دینی تلقی کرده است. از همین رو، تلاش فرهنگی خود را معطوف به از میان برداشتن کدورتها، رفع سوءتفاهمات حاصل از القانات نیروهای ضدانقلاب و گسترش وحدت دینی کرد.

اصل چهارم: تفکیک صف مردم از صف ضدانقلاب

سپاه با پیروی و تبعیت از رهبری انقلاب، بر این باور بوده که «حساب مردم کرد از حساب ضدانقلاب جداست». به همین سبب، برای مقابله با ضدانقلاب، از جنگ رزمی (بر اساس ضرورت) و جنگ روانی بهره گرفته، اما در مصاف با مردم، از «مردم‌یاری فرهنگی»

سود جسته است. مسئولان سپاه در کردستان، بر این باورند که: «هرگز مردم کرد را فریب نداده‌اند، حقایق را با آنان در میان گذاشته‌اند، علاقه‌مند رشد و تعالی آنان بوده‌اند. اما، از هیچ کوشش مجازی (اعم از عملیات نظامی، جنگ روانی، فریب، تبلیغات و ...) برای از میان برداشتن گروه‌های ضدانقلاب کوتاهی نکرده‌اند».

اصل پنجم: یکپارچه‌نگری

منظور از یکپارچه‌نگری آن است که یک مؤسسه یا نهاد فرهنگی اقدامات خویش را با اقدامات سایر مؤسسات و یا بخش‌های دیگر خود، هماهنگ سازد (مکی و اسمیت، ۲۰۰۱). سپاه نیز اقدامات فرهنگی خود را هماهنگ با اقدامات بهداشتی و درمانی، اجتماعی، ترابری و ... به سامان رسانده است؛ زیرا به تعبیر کار اسمیت (۱۹۸۶)، مردم‌یاری فرهنگی زمانی اثربخش و کارآمد است که با اقدامات دیگری همچون: بهبود وضع معیشت مردم، گسترش خدمات رسانی عمومی و جز آن همراه گردد، در غیر آن صورت به گفتمان بی‌پایانی می‌ماند که جز روشنفکران آسوده خاطر کس دیگری به آن وقعی نمی‌نهد.

انواع فعالیتهای فرهنگی

مردم‌یاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با پیروی از اصول پیش‌گفته و با همکاری نهادهایی همچون: جهاد سازندگی، سازمان تبلیغات اسلامی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، طی سالهای بحرانی کردستان اقدامات و فعالیتهای فرهنگی متنوع و متعددی را به سامان رسانده است. در سطور زیر پاره‌ای از آن اقدامات به اختصار مرور می‌شود.

۱- تلاش برای کاهش میزان بی‌سوادی

سپاه با ورود به مناطق کردنشین (در سال ۱۳۵۹) دریافت که حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت بالاتر از ۶ سال استان از نعمت خواندن و نوشتن محروم هستند. افزون بر آن، طی سالهای حاکمیت و تسلط گروه‌های شورشگر بر مناطق شهری و روستایی، تقریباً فرآیند تعلیم و تعلم رسمی (آموزش و پرورش) به تعطیلی گراییده بود (صرف‌نظر از آنکه در سال تحصیلی ۵۸-۵۹ کلیه مدارس مناطق کردنشین تحت اشغال گروه‌های شورشگر، به

صورت رسمی تعطیل اعلام شد). به همین سبب، طی آن سالها (حداقل در برخی مناطق روستایی دورافتاده) تمامی افرادی که در سنین تحصیل بودند از تحصیل بازماندند. از همین رو، مدیران و فرماندهان سپاه اولین و اساسی‌ترین اقدام فرهنگی - آموزشی خود را معطوف راه‌اندازی مدارس در مناطق آزاد شده و تشکیل کلاسهای سوادآموزی در پایگاهها، مساجد و اماکن عمومی (و حتی اماکن خصوصی) کردند. برای تشکیل این کلاسها اغلب از بسیجیان و پاسدارانی استفاده می‌شد که یا سابقه معلمی داشتند و یا از تحصیلات دیپلم و بالاتر برخوردار بودند. همچنین، در پاره‌ای از مناطق، سپاه مبادرت به استخدام افراد تحصیل‌کرده بومی از طریق نهضت سوادآموزی و یا پرسنل خود می‌نمود و از آنان برای تشکیل کلاسهای آموزش رسمی و سوادآموزی استفاده می‌کرد.

گرچه، چند هفته تا چند ماه پس از پاکسازی هریک از شهرهای مناطق کردنشین، آموزش و پرورش و نهضت سوادآموزی فعالیت خویش را آغاز می‌کردند، اما در بسیاری از مناطق (به ویژه روستاهای دور دست)، این دو نهاد فعالیت خویش را از طریق پایگاههای سپاه و نیروهای سپاهی و بسیجی انجام می‌دادند؛ زیرا آن دو نهاد، یا نیروی کافی برای انجام فعالیتهای آموزشی در اختیار نداشتند و یا به سبب مسائل امنیتی قادر به ارائه خدمات خویش نبودند.

حاصل تلاشهای آموزشی سپاه طی حدود یک دهه بحران کردستان، افزایش نرخ باسوادی کل جمعیت دارای ۶ سال و بالاتر مناطق کردنشین از حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۷۰ درصد در سال ۱۳۷۰ بود. این رشد به‌ویژه در زنان چشمگیرتر بود؛ زیرا نرخ باسوادی کمتر از ۳۰ درصد آنان در سال ۱۳۵۹، به بیش از ۵۰ درصد در سال ۷۰ رسید. حتی افزایش میزان باسوادی در زنان روستایی چشمگیرتر از زنان شهری بود؛ چرا که نرخ ۱۵ درصدی باسوادی در آغاز این بحران، به حدود ۴۵ درصد (یعنی ۳۰ درصد رشد) در پایان بحران رسید. (سازمان آمار ایران، ۱۳۷۵)

۲- طرح هجرت

در طرح هجرت از بین دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند دبیرستانی شهرهای غیرکردنشین نظیر اصفهان، کاشان، قم و ساری، گروهی انتخاب و جهت ادامه تحصیل به شهرهای مختلف مناطق کردستان اعزام شدند. این افراد در دبیرستانهای مختلف شهرهای

کردنشین ضمن اشتغال به تحصیل، مبادرت به تشکیل انجمنهای فرهنگی و ادبی و هنری مختلف، و تعامل با دانش‌آموزان بومی مستعد و علاقه‌مند، آنان را برای فعالیت در آن انجمنها ترغیب کردند. افزون بر آن، بسیاری از فعالیتهای فرهنگی و سیاسی داخل مدارس توسط این افراد هدایت می‌شد. این افراد نیز خط فکری و سیر فعالیت خویش را بر اساس اهداف و برنامه‌های سپاه تنظیم می‌کردند؛ زیرا آنان همه به عضویت سپاه و بسیج در آمده بودند و در زمره اعضای تبلیغات و انتشارات سپاه محسوب می‌شدند.

۳- طرح سرباز معلم

از همان سالهای آغاز پاکسازی شهرها و روستاهای کردستان، سپاه دریافته بود که آموزش و پرورش فاقد نیروی کافی برای اداره مدارس و تدریس در مناطق آزاد شده است؛ زیرا سپاه و نظام با تلاشهای تبلیغاتی و فرهنگی می‌کوشیدند تا برخلاف گذشته همه والدین را ترغیب کنند تا فرزندان ۶ سال و بالاتر خود را (اعم از دختر و پسر) در شهر و روستا برای تحصیل روانه مدارس سازند؛ در این شرایط اگر آموزش و پرورش حتی تمام پتانسیل و کادر آموزشی گذشته خود را در اختیار داشت، قادر به تحت پوشش قراردادن تمام کودکان و نوجوانان مناطق کردنشین نبود. از سوی دیگر، پس از پاکسازی مناطق کردنشین تعدادی از معلمان و کادر آموزشی آموزش و پرورش، به سبب همکاری با رژیم گذشته و گروههای شورشگر، پاکسازی شده بودند و برخی دیگر به گروههای شورشگر پیوسته و از ادامه همکاری با آموزش و پرورش امتناع کرده بودند. از همین رو، آموزش و پرورش با مشکل کمبود شدید معلم روبه‌رو شده بود. افزون بر آن، بسیاری از مناطق و روستاهای پاکسازی شده تا مدتها پس از پاکسازی، همچنان صحنه درگیری نیروهای سپاه با عناصر ضدانقلاب بود. به همین سبب، تنها کسانی حاضر به آموزش در مدارس این مناطق بودند که بیمی از مقابله و مبارزه با عناصر ضدانقلاب به خود راه نمی‌دادند. از همین رو، سپاه ضمن هماهنگی و همکاری با آموزش و پرورش، مبادرت به اجرای طرحی موسوم به «سرباز معلم» کرد. بر اساس این طرح، در هر یک از شهرهای مناطق کردنشین از بین مشمولین وظیفه تحصیل‌کرده، گروهی علاقه‌مند، توانا و هوادار انقلاب اسلامی، توسط سپاه پاسداران گزینش شده و پس از چند ماه آموزشهای ویژه برای تدریس به مدارس مناطق آزاد شده اعزام شدند.

بر اساس گزارشهای سپاه مناطق کردستان و آذربایجان غربی، طی سالهای ۶۲ تا ۷۰ بالغ بر ۲۰۰۰ نفر از این معلمان وظیفه در مدارس روستاهای پاکسازی شده مناطق کردنشین خدمت کرده‌اند.

۴- طرح هجرت کار

به منظور افزایش اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان کرد، تغییر نگرش آنان نسبت به سایر قومیت‌های مردم ایران، گسترش پیوند فرهنگی و نیز کسب درآمد، هر ساله در ایام تعطیلات تابستان چندصد تن از دانش‌آموزان دوم راهنمایی تا پایان دبیرستان جذب و با مدیریت بسیج و معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه به شهرهای کاشان، تبریز، رشت، لنگرود، رودسر و اصفهان اعزام می‌شدند این دانش‌آموزان روزانه چند ساعت را در کارخانجات شهرهای مذکور مشغول کار می‌شدند. و پس از آن در کلاسهای مختلف فرهنگی شرکت می‌کردند.

بر اساس گزارش سپاه آذربایجان غربی، در مجموع طی سالهای بحران، بیش از ۹۰۰ دانش‌آموز از شهرهای کردنشین آن استان در این طرح شرکت کردند. همچنین، سپاه کردستان تعداد دانش‌آموزان تحت پوشش این طرح را در آن استان ۱۰۰۰ نفر گزارش کرده است. بنابراین، در مجموع طی آن سالها حدود دوهزار نفر از دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان مناطق کردنشین با شرکت در طرح هجرت به سطح بالایی از مهارت دست یافتند.

۵- طرح یاری‌رسانی به دانش‌آموزان نیازمند (طرح شهید ابوعمار)

در بسیاری از شهرهای کردنشین، نظیر مریوان، سنندج، سقز و بانه، معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه در سالهای بحران به برگزاری طرحی موسوم به «طرح یاری‌رسانی به دانش‌آموزان نیازمند» مبادرت کرد. بر اساس این طرح، گروهی مأمور شناسایی دانش‌آموزان بی‌بضاعت و مستعد دبیرستانی می‌شدند. آن‌گاه آنان را به مسئولین تبلیغات و انتشارات معرفی می‌کردند. مسئولین تبلیغات و انتشارات دو دسته اقدامات را برای آنان انجام می‌دادند: (۱) تهیه امکانات مادی (اعم از اجاره‌خانه، کمک هزینه تحصیلی، خوراک، لباس و ...); (۲) تهیه امکانات فرهنگی (کتاب، نشریه، لوازم التحریر و ...).

علاوه بر آن، این دانش‌آموزان در جلسات منظمی شرکت می‌کردند که از سوی تبلیغات و انتشارات تشکیل می‌شد. همچنین، این دانش‌آموزان در تعطیلات تابستان به صورت پاره‌وقت در بسیج، جهاد سازندگی و بخشهای مختلف سپاه مشغول کار می‌شدند و حقوق دریافت می‌کردند. این طرح از سال ۱۳۶۴ به طرح «شهید ابوعمار» تغییر نام داد و از آن پس در بسیاری از مناطق کردنشین اجرا شد.

صفرعلی رونق (که بسیاری او را مبدع و بانی این طرح می‌دانند) مدعی است که این طرح توانسته است طی ۱۰ سال بحران کردستان، صدها دانش‌آموز را تحت پوشش قرار دهد. بررسیهای بیشتر نشان داده است که بسیاری از مشمولین این طرح پس از فراغت از تحصیل به نهادها و سازمانهای مختلف فرهنگی و اجرایی پیوسته‌اند. یکی از افراد مسئول در اجرای این طرح، تعداد دانش‌آموزان مشمول طرح فوق را ۱۰۰۰ نفر برآورد کرده است.

۶- طرح گشت فرهنگی

معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه بلافاصله پس از پاکسازی هر منطقه (منطقه متشکل از چند روستا)، اکیپی متشکل از روحانی (مبلغ مذهبی)، سخنران، گروه نمایش و فیلم، گروه نشر کتاب و جز آن را به روستای مرکزی منطقه اعزام و طی یک فراخوان عمومی، که اغلب با استقبال زیادی روبه‌رو می‌شد، تمامی مردم آن منطقه را به روستای مذکور دعوت و طی یک یا دو روز متوالی جلساتی را به صورت جمعی برای آنان اجرا می‌کرد. پس از بازگشت روستاییان به روستای خود نیز گروههای کوچکی از اکیپ مذکور به روستاها اعزام می‌شدند و طی چند روز متوالی اقدامات فرهنگی متنوعی را انجام می‌دادند. به باور علیزاده (یکی از مسئولان سپاه در بحران کردستان)، این گونه اقدامات، که به گشت فرهنگی مشهور بود، اثرات ناشی از ماهها و سالها فعالیت گروههای ضدانقلاب را از ذهن مردم روستا می‌زدود؛ زیرا «صدانقلابیون از ابتدای فعالیت خویش در روستاها تمام تلاش تبلیغی خود را معطوف آن می‌ساختند که پاسداران را به منزله افرادی خشن و تندخو و دشمن مردم و فرهنگ کرد معرفی کنند. اما، مردم روستا در همان روزهای آغازین پاکسازی روستای خود با گروهی روبه‌رو می‌شدند که از دین و مذهب برای آنان سخن می‌گویند، با آنان با مهربانی رفتار

می‌کنند، آنان را می‌خندانند، به آنان کتاب و قلم و کاغذ می‌دهند ... خلاصه آنکه، مردم روستاها برخلاف آنچه بیشتر از ضدانقلاب شنیده بودند، با چشمان خود می‌دیدند که پاسدارها با فرهنگ به میان آنان آمده‌اند، با آنان و پشت سر آنان نماز می‌خوانند، آنان را به میهمانی خود دعوت می‌کنند و خود نیز به میهمانی آنان می‌روند».

اعضای طرح گشت فرهنگی، دیوار اماکن عمومی و منازل روستاییان را از شعارهای گروههای شورشگر، که اغلب با خطی نازیبا و کج و معوج نوشته شده بود، پاک و مبادرت به ترسیم تصاویر و طرحهای زیبا و نیز نوشتن شعارهای اسلامی بر دیوار اماکن عمومی (مدارس، مساجد و ...) و خصوصی روستا می‌کردند. بسیاری از اشعار و جملات که بر دیوار روستاها نقش می‌بست از پیام‌ها و جملات نغز و توأم با عطفوت امام خمینی (ره) خطاب به مردم کردستان بود. مردم، اغلب این شعارها را حفظ و برای یکدیگر بازگو می‌کردند.

زیباسازی روستا، بازسازی مساجد و کمک مادی به نیازمندان و افراد بی‌بضاعت روستاها، از دیگر اقداماتی بود که اعضای گشت فرهنگی مبادرت به آن می‌کردند. گزارشهای منتشر شده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیانگر آن است که طی بحران کردستان بالغ بر ۵۰۰ مسجد در مناطق کردنشین بازسازی یا تعمیر و تجهیز شده‌اند.

۷- تشکیل گروههای فرهنگی

تشکیل گروههای فرهنگی از مریوان آغاز شد. معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه مریوان (که ابتدا روابط عمومی سپاه نامیده می‌شد)، برای پوشش فرهنگی روستاها در مراکز بخشهای پنج‌گانه آن شهرستان و دهستانهای تابعه، مراکزی را تأسیس و آن را «گروه فرهنگی» نام نهاد. هر گروه فرهنگی از بخشهای مختلفی از جمله: سمعی و بصری، انتشارات، تبلیغات، امور روحانیون، امور شوراها و نظایر آن تشکیل شده بود. انور خسروی (مسئول وقت یکی از گروههای فرهنگی مریوان) پیرامون اهداف و عملکرد گروههای فرهنگی می‌گوید:

هدف اصلی سپاه از تشکیل گروههای فرهنگی آن بود که در روستاها به تبلیغ اهداف انقلاب اسلامی و سپاه پردازند و آثار سوء ناشی از تبلیغات مسموم و فریب‌آمیز گروهها را از ذهن روستاییان بزدایند. اما، خیلی زود دامنه فعالیت گروههای فرهنگی

گسترش یافت. به‌گونه‌ای که گروه فرهنگی تبدیل به نماینده تمامی نهادها، ادارات و سازمانها شد. مثلاً، حتی وزارت کشاورزی تنها با هماهنگی و از طریق گروههای فرهنگی خدمات خود را به روستاییان ارائه می‌داد ... شورا و روحانی روستا و معتمدین ده عملاً به عضویت گروه فرهنگی درمی‌آمدند.

او پیرامون عملکرد گروههای فرهنگی توضیح می‌دهد که:

گروه فرهنگی هر چند وقت یکبار، مردم روستاهای تابعه را جمع می‌کرد و برای آنان جلسات سخنرانی برگزار می‌کرد، کلاسهای قرآن تشکیل می‌داد، نمازهای جمعه را اداره می‌کرد، در ایام الله مراسم برگزار می‌کرد، مسابقات مختلف برگزار می‌کرد، امور شوراها را بررسی می‌کرد، خدمات سازمانها و نهادها را از شهر اخذ و به روستاییان ارائه می‌داد، مسائل قضایی و اختلافات مردم را حل می‌کرد. خلاصه آنکه، گروه فرهنگی برای سالها همه کاره روستا بود. مشاهده عملکرد موفقیت‌آمیز گروههای فرهنگی مریوان، موجب شد تا در سایر شهرستانها نیز از این تجربه استفاده شود. به‌گونه‌ای که طی ۱۰ سال بحران کردستان، بالغ بر صد گروه فرهنگی در بخشها و دهستانهای مناطق کردنشین مشغول فعالیت بودند.

اعضای گروههای فرهنگی اغلب پاسداران و بسیجیان تحصیل کرده، فرهیخته و خوشنام شهرها و روستاهای مناطق کردنشین بودند. این افراد اغلب در میان روستاییان کردستان به نیکنامی و فرهیختگی اشتهار داشتند. به همین سبب، از قدرت متقاعدسازی بالایی برخوردار بودند.

گروههای فرهنگی از نظر تشکیلاتی به معاونت تبلیغات و انتشارات سپاه وابسته بودند و «دفتر هماهنگی گروههای فرهنگی» که یکی از مدیریتهای تبلیغات و انتشارات بود، آنها را مدیریت و اداره می‌کرد.

۸- کار فرهنگی با تسلیم شدگان و زندانیان

با شروع عملیات آزادسازی کردستان و سایر مناطق کردنشین، سپاه از طریق رسانه‌ها و جراید مختلف از تمامی اعضای گروههای شورشگر در خواست کرد که خود را تسلیم نیروهای جمهوری اسلامی کنند. حاصل این درخواست طی یک دهه

بحران کردستان، تسلیم شدن چند هزار تن^۱ از اعضا و پیشمرگان کومله، دمکرات، جنات، فداییان خلق، رزگاری و سایر گروههای شورشگر و ضدانقلاب بود. علاوه بر آن، طی درگیریهای مختلف سپاه با نیروهای شورشگر، صدها تن از آنان دستگیر و زندانی شدند.

تبلیغات و انتشارات سپاه بخشی از تلاشهای فرهنگی خود را معطوف کار فرهنگی با این دو گروه و خانواده‌های آنان کرد. برای این منظور، طی جلسات مستمری تسلیمی‌های هر شهر در یک سالن عمومی گرد هم می‌آمدند و پس از دریافت هدایای مختلف، فرماندهان و مسئولان سپاه برای آنان سخنرانی می‌کردند. افزون بر آن، کتب، مقالات و نوارهای کاست مختلف در اختیار آنان قرار می‌گرفت. اثر کار فرهنگی و تبلیغاتی بر روی تسلیمی‌ها به‌گونه‌ای بود که بسیاری از آنان، درخواست عضویت در سپاه و بسیج می‌کردند، و برخی از آنان پس از گذراندن مراحل گزینش موفق می‌شدند به عضویت سپاه و بسیج درآیند (برخی از این افراد طی سالهای بحران نیز در عملیتهای مختلف به شهادت رسیدند).

کار با خانواده‌های پیشمرگان گروههای شورشگر یکی دیگر از اقدامات فرهنگی سپاه بود. سپاه در همان بدو ورود به مناطق کردنشین با رویه‌ای عطف‌آمیز و توأم با پذیرش، با خانواده‌های اعضای گروههای شورشگر رفتار می‌کرد. در برخی شهرها، نظیر سنندج، مریوان، سقز و جز آن، برای این‌گونه خانواده‌ها جلسات سخنرانی، نمایش فیلم و جز آن برگزار می‌شد. حاصل این‌گونه اقدامات تسلیم شدن صدها تن از اعضای گروههای شورشگر بود.^۲

۱- برخی کارشناسان معتقدند که در بحران کردستان بالغ بر ۸۰۰۰ نفر از اعضای گروههای ضدانقلاب خود را تسلیم سپاه و سایر نیروهای جمهوری اسلامی کردند.

۲- یکی از اعضای تسلیمی حزب دمکرات (محمد غلام ویسی، مسئول یکی از شاخه‌های حزب دمکرات در منطقه زاورود) در گفتگو با نگارنده اظهار داشت :

وقتی سپاه منطقه ما را پاکسازی کرد، ما مجبور به فرار شدیم. سرعت عمل سپاه به‌گونه‌ای بود که نتوانستیم اعضای خانواده را با خود ببریم. به همین خاطر بسیار در وحشت بودیم که نیروهای سپاه آنان را مورد ایذا و آزار قرار دهند. اما، خود من چند ماه پس از دوری از خانواده طی یک فرصت با آنان ملاقات کردم و با کمال تعجب دریافتم که نه تنها سپاه با آنان با خشونت رفتار نکرده، بلکه از هیچ کمکی به آنان (اعم از کمک مادی و معنوی) دریغ نکرده است. بچه‌هایم در مدرسه‌ای که سپاه راه انداخته بود تحت آموزش بودند، همسر من از رفتار حسنه

روش تحقیق

در این تحقیق برای پاسخ به سؤالات اساسی تحقیق، از «تحقیق پیمایشی» استفاده شد. در تحقیق پیمایشی (یا به تعبیر برخی روش‌شناسان، تحقیق زمینه‌یابی)، نظرات، مواضع، دیدگاهها و نگرشهای گروه یا گروههایی از افراد جامعه پیرامون موضوعات، پدیده‌ها، عملکردهای افراد و گروهها، مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. در تحقیقات پیمایشی گروهی از افراد جامعه با استفاده از روشهای مرسوم نمونه‌گیری، انتخاب و به عنوان گروه معرف جامعه، دیدگاههای آنان مورد سنجش و ارزشیابی قرار می‌گیرد و براساس یافته‌های حاصل از آن گروه، استنباطهایی پیرامون موضع‌گیری کل جامعه مورد مطالعه به عمل می‌آید.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان و مردان بالاتر از ۲۴ سال استان کردستان است. این افراد کسانی هستند که در پایان بحران کردستان (سال ۱۳۷۰) حداقل ۱۵ سال سن داشته‌اند. بنابراین، این افراد (که در سال ۱۳۸۱؛ یعنی هنگام اجرای تحقیق، در دامنه سنی ۵۵-۲۵ سال قرار داشته‌اند) آماج فعالیتهای فرهنگی سپاه در بیش از یک دهه بحران کردستان (۱۳۷۰-۱۳۵۹) بوده‌اند.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه این تحقیق براساس فرمول $n = \frac{N Z \alpha^2}{d^2}$ و در سطح خطای ۰/۰۵، ۲۰۰ نفر برآورد شد. برای انتخاب آزمودنیها، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. برای این منظور ابتدا از کلیه شهرهای کردستان، سه شهر سنندج، سقز و مریوان به صورت تصادفی انتخاب شدند. آن‌گاه از بین محلات هر شهر، سه محله، و از هر محله چند کوچه، و از هر کوچه چند پلاک انتخاب شد و از بین ساکنین بالای ۲۴ سال هر پلاک یک نفر انتخاب و نظرات و نگرشهای او با استفاده از مقیاس اندازه‌گیری مورد سنجش قرار گرفت.

سپاهیان سخن می‌گفت و همه اعضای خانواده‌ام مدیون سپاه شده بودند. این واکنش سپاه با خانواده‌ام، مرا به فکر فرو برد، با خود اندیشیدم که در رفتار و عملم باید تجدیدنظر کنم. سرانجام به همراه چندتن از نیروهایم خود را تسلیم سپاه کردم و از آن پس از هیچ کمکی به سپاه دریغ نورزیدم.

فراوانی و درصد نمونه به تفکیک سه شهر در جدول زیر درج شده است :

جدول ۱- فراوانی و درصد آزمودنیها به تفکیک شهر

نام شهر	فراوانی	درصد
سنندج	۸۰	۴۰
مریوان	۶۰	۳۰
سقز	۶۰	۳۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰

ابزار جمع آوری اطلاعات

در این تحقیق برای سنجش نظرات و نگرشهای پاسخ دهندگان، از یک مقیاس محقق ساخته استفاده شد. این مقیاس حاوی سه خرده مقیاس است. خرده مقیاس اول، که حاوی ۱۱ گویه است، به اندازه گیری نظارت و نگرشهای مردم کردستان پیرامون پاسداران و رفتارهای آنان در حین بحران کردستان می پردازد. خرده مقیاس دوم با ۲۱ گویه، و نظرات مردم کرد را پیرامون مردم یاری فرهنگی سپاه در ایام بحران مورد سنجش قرار می دهد و خرده مقیاس سوم، میزان رضایت مردم کرد از مردم یاری فرهنگی سپاه را مورد اندازه گیری قرار می دهد.

میزان پایایی^۱ مقیاس و هر یک از سه خرده مقیاس آن، با استفاده از آزمون آماری آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که مقیاس دارای پایایی ۰/۸۹ (alpha = ۰/۸۹) است. میزان پایایی سه خرده مقیاس نیز به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۴ و ۰/۸۰ بود.

یافته های تحقیق

یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به تفکیک سؤالات اساسی به شرح ذیل است:

نگرش مردم کرد به پاسداران و عملکرد آنان در دوران بحران کردستان

در دوران بحران کردستان، سپاه می کوشید تا به دو شکل اساسی، موجب تغییر در برخی نگرشها و الگوهای رفتاری و مواضع و رویکردهای فرهنگی مردم کرد شود.

1- reliability

یکی از آن دو، نمایش الگوهای رفتاری دینی از سوی نیروها و پاسداران اعزامی به منطقه و دیگری، انجام اقدامات فرهنگی بود. سپاه و سایر نهادهای وابسته به نظام، بر این باور بودند که مردم کرد با مشاهده رفتارهای نیکو و اسلامی پاسداران، به حسن‌نیت نظام نسبت به خود پی خواهند برد و بر اثر آن، در وهله اول، نگرش خود را نسبت به نظام بهبود خواهند بخشید و در وهله بعد، به کنشهایی مبادرت خواهند ورزید که منطبق با موازین و ارزشهای نظام جمهوری اسلامی است. به تعبیر دقیق‌تر، سپاه بر این باور بود که تغییرات کیفی و بنیادی در الگوهای رفتاری و مبانی فرهنگی مردم کرد، به‌طور عمده از طریق عرضه الگوهای فرهیخته و حسنه محقق خواهد شد. به همین سبب، پاسدارانی که خدمت در کردستان را به عنوان تکلیفی دینی انتخاب کرده بودند، تلاش می‌کردند تا اولاً: با مردم کرد با رأفت و عطوفت اسلامی رفتار کنند؛ ثانیاً: توده مردم مسلمان کرد را به عنوان برادران و خواهران دینی خود بنگرند؛ ثالثاً: در یاری رساندن به توده‌های نیازمند کرد از هیچ کوششی دریغ نورزند؛ رابعاً: به هنگام پاکسازی شهرها و روستاها از آسیب رساندن به مردم بی‌گناه جلوگیری کنند؛ خامساً: از تحقیر و نکوهش مردم کرد بپرهیزند؛ سادساً: زمینه را برای تسلیم شدن - و نه کشتن - عوامل فریب‌خورده گروههای شورشگر فراهم سازند؛ و در نهایت: تعاملی نزدیک و صمیمانه با مردم کرد برقرار سازند.

اما آیا این‌گونه اقدامات مؤثر واقع شده است؟ تأمل در یافته‌های مندرج در سطور زیر پاسخی روشن برای این سؤال به دست می‌دهد.

برای یافتن پاسخ سؤال مذکور، یا به تعبیر دیگر برای سنجش نگرشها و مواضع مردم کرد نسبت به پاسداران و عملکرد آنان در بحران کردستان، از یک خرده‌مقیاس ۱۱ ماده‌ای استفاده شد.

فراوانی و درصد موافقت (نوع نگرش) پاسخ‌دهندگان به مواد ۱ تا ۱۱ در جدول ذیل درج شده است.

جدول ۲- نگرش مردم کرد به پاسداران و رفتار آنان (به فراوانی و درصد)

ردیف	ماده	کاملاً موافق		موافق		بینابین		مخالف		کاملاً مخالف	
		P	F	P	F	P	F	P	F	P	F
۱	پاسداری که به کردستان آمدند خیلی به مردم کرد علاقه‌مند بودند	۱۰۸	۵۴	۶۰	۳۰	۳۲	۱۶	-	-	-	-
۲	مردم کرد، پاسداران را دوست دارند	۹۴	۴۷	۹۴	۴۷	۱۲	۶	-	-	-	-
۳	تنها عده کمی از مردم کرد مخالف پاسدارها بودند	۸۴	۴۲	۹۶	۴۶	۲۴	۱۲	-	-	-	-
۴	همت پاسدارها موجب آسایش مردم کرد شد	۸۲	۴۱	۱۰۶	۵۳	۱۲	۶	-	-	-	-
۵	مردم کرد از شهادت پاسدارها ناراحت می‌شدند	۷۲	۳۸	۵۸	۳۱	۵۸	۲۱	-	-	-	-
۶	پاسدارها با خشونت رفتار نمی‌کردند	۷۲	۳۸	۸۰	۴۳	۲۴	۱۳	۶	۱۲	-	-
۷	رفتار پاسدارها مردم کرد را به جمهوری اسلامی علاقه‌مند ساخت	۸۴	۴۸	۵۸	۳۳	۳۴	۱۹	-	-	-	-
۸	رافت پاسدارها موجب تسلیم شدن اعضای گروه‌ها شد	۸۲	۴۴	۹۴	۵۰	۱۲	۶	-	-	-	-
۹	هرگز شاهد بدرفتاری پاسدارها نبوده‌ام	۹۲	۴۶	۷۲	۳۶	۳۶	۱۸	-	-	-	-
۱۰	رفتار پاسدارها کاملاً اسلامی بود	۸۲	۴۱	۱۰۶	۵۳	۱۲	۶	-	-	-	-
۱۱	مردم کرد به خاطر پاسدارها جذب پیشمرگان شدند	۸۲	۴۴	۵۸	۳۰	۲۴	۱۳	۱۳	۲۴	-	-

P = درصد F = فراوانی

داده‌های درج شده در جدول شماره (۲) بیانگر آن است که در مجموع، پاسخ‌دهندگان کرد نگرش مثبت به پاسدارها دارند. به تعبیر دیگر، تقریباً اغلب پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که «پاسداری که به کردستان آمده بودند و در حل بحران کردستان نقش‌آفرینی کرده‌اند، مردم کرد را دوست دارند» و «مردم کرد نیز پاسداران را دوست دارند».

رابطه سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان با نگرش آنان به پاسداران

برای بررسی رابطه سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان با نگرش آنان به پاسداران، از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شد. نتایج حاصل در جدول زیر درج شده است.

جدول ۳- رابطه سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان با نگرش آنان به پاسداران

رابطه	تعداد N	ضریب همبستگی r	سطح معنی‌دار P
سن و نگرش	۱۷۶	۰/۳۷	۰/۰۱
تحصیلات و نگرش	۱۷۶	۰/۲۷	۰/۰۱

همان‌گونه که ضرایب درج شده در جدول بالا نشان می‌دهد، بین دو مؤلفه سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان و نگرش آنان به پاسدارانی که کردستان را پاکسازی کرده‌اند ضریب همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به تعبیر دیگر، تحلیل داده‌ها نشان داد که با افزایش سن و میزان تحصیلات، تا حدودی به نگرش مثبت پاسخ‌دهندگان نسبت به پاسداران افزوده می‌شود. لیکن، این همبستگی (به ویژه در مورد رابطه تحصیلات و نگرش) چندان بالا نیست.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارزیابی میزان اقدامات (مردم‌باری) فرهنگی سپاه در سالهای بحران
میزان عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای انقلابی در ۲۱ مؤلفه فرهنگی در سالهای بحران کردستان، از نظر شهروندان کرد مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل در جدول شماره (۴) درج شده است.

جدول ۴- میانگین و انحراف معیار نظرات شهروندان کرد پیرامون عملکرد سپاه در ۲۱ مؤلفه فرهنگی

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار
آموزش	۳/۴۷	۰/۷۸
سوادآموزی	۳/۲۴	۰/۷۶
نشر	۳/۲۵	۰/۶۹
روزنامه و مجله	۳/۰۵	۰/۹۱
آموزش قرآن	۳/۱۲	۰/۷۶
آموزش اعتقادی	۳/۰۷	۰/۸۸
آموزش هنری	۳/۱۳	۰/۷۶
نمایش	۳/۱۱	۰/۶۸
آموزش احکام	۳/۳۷	۰/۷۶
مسابقات فرهنگی	۳/۱۶	۰/۸۶
برگزاری اردو	۳/۲۴	۰/۸۹
جلسات سخنرانی	۳/۳۴	۰/۶۸
برنامه رادیویی	۳/۵۳	۰/۶۱
بازسازی مسجد	۲/۹۲	۰/۷۲
حمایت از نویسندگان	۳/۶۵	۰/۷۷
شعرخوانی	۳/۱۰	۰/۶۷
کمک به دانش آموزان	۳/۴۱	۰/۷۰
کمک به ائمه جمعه و جماعت	۳/۱۰	۰/۸۳
گسترش وحدت	۳/۰۶	۰/۷۶
کمک به قاریان قرآن	۳/۱۸	۰/۸۹
برگزاری نمایشگاه	۳/۱۹	۰/۹۶

میانگین‌های مندرج در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که شهروندان کرد، میزان عملکرد فرهنگی سپاه را به ترتیب در ۵ مؤلفه «حمایت از نویسندگان، شعر و ادبا»؛

«تهیه و تولید برنامه‌های رادیویی»؛ «تشکیل کلاسهای آموزش و پرورش در مناطق آزاد شده»؛ «آموزش احکام»؛ «تشکیل جلسات سخنرانی»، بالاتر از سایر مؤلفه‌ها ارزیابی کرده‌اند. در حالی که آنان عملکرد فرهنگی سپاه را در مؤلفه‌های «بازسازی مسجد»، «تلاش برای گسترش وحدت شیعه دینی» و «انتشار روزنامه و مجله» کمتر از سایر مؤلفه‌ها ارزیابی کرده‌اند.

رابطه ارزیابی میزان عملکرد فرهنگی سپاه با سن و تحصیلات پاسخ‌دهندگان برای بررسی رابطه نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون میزان عملکرد فرهنگی سپاه در دوران بحران کردستان با سن و تحصیلات آنان، از آزمون آماری همبستگی اسپیرمن استفاده شد. خلاصه نتایج حاصل در جدول ذیل درج شده است.

جدول ۵- رابطه نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون عملکرد فرهنگی سپاه با سن و تحصیلات آنان

متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار
رابطه نظرات و سن	۱۵۴	۰/۳۶	۰/۰۱
رابطه نظرات و تحصیلات	۱۵۴	-۰/۴۲	۰/۰۱

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد بین نظرات پاسخ‌دهندگان پیرامون میزان عملکرد فرهنگی سپاه در بحران کردستان و سن و میزان تحصیلات آنان ضریب همبستگی معنی‌دار وجود دارد. اما این ضریب همبستگی در مورد سن مثبت (۰/۳۶) و در مورد تحصیلات منفی (-۰/۴۲) است. این بدان معناست که افراد دارای تحصیلات بالا، عملکرد فرهنگی سپاه را کمتر ارزیابی کرده‌اند، در حالی که افراد دارای سن بالا بر این باور بوده‌اند که سپاه عملکرد فرهنگی بالایی داشته است.

میزان رضایت مردم کرد از عملکرد سپاه
میزان رضایت مردم کرد از عملکرد فرهنگی سپاه در دوران بحران کردستان با ۵
گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. فراوانی، درصد و میانگین نظرات حاصل در جدول
زیر درج شده است.

جدول ۶- میزان رضایت مردم کرد از عملکرد فرهنگی سپاه

تجزیه معیار میانگین	مؤلفه	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
		P	F	P	F	P	F	P	F	P	F
۰/۵۱	احترام به اعتقادات مردم	۲۳	۴۶	۷۱	۱۴۲	۶	۱۲	-	-	-	-
۰/۷۰	بهره‌گیری از مردم کردستان	۶۳/۸	۱۲۰	۲۴/۵	۴۶	۱۱/۷	۲۲	-	-	-	-
۰/۵۹	افزایش سطح آگاهی مردم	۲۵/۳	۴۸	۶۳/۲	۱۲۰	۱۱/۶	۲۲	-	-	-	-
۰/۷۱	افزایش انسجام مردم کرد با سایر اقوام	۶۷/۴	۱۲۰	۲۰/۲	۳۶	۱۲/۴	۲۲	-	-	-	-
۰/۶۳	افشای اهداف غیراسلامی گروهها	۳۰/۵	۳۶	۶۰/۲	۱۰۶	۱۹/۳	۳۴	-	-	-	-

از داده‌های درج شده بالا، می‌توان نتایج زیر را برجسته ساخت:

پاسخ‌دهندگان کرد از عملکرد فرهنگی سپاه در دوران بحران کردستان رضایت دارند، لیکن میزان این رضایت از خیلی زیاد تا متوسط در نوسان است. حدود ۱۲ درصد آنان در حد «متوسط» از عملکرد فرهنگی سپاه رضایت دارند. در حالی که، حدود ۴۰ درصد آنان در سطح «خیلی زیاد» و حدود ۵۰ درصد در سطح «زیاد» از عملکرد فرهنگی سپاه رضایت دارند.

بالاترین میزان رضایت مربوط به مؤلفه «تقویت پیوند و انسجام مردم کرد با سایر مردم ایران» (با میانگین ۳/۵۵) و کمترین آن مربوط به مؤلفه «افشای اهداف غیراسلامی گروههای ضدانقلاب» (با میانگین ۳/۱۰) بوده است. به تعبیر دیگر، اغلب پاسخ‌دهندگان کرد بر این باور بوده‌اند که سپاه با فعالیتهای خود توانسته است پیوند مردم کرد را با سایر مردم ایران گسترش دهد. لیکن نقش آن فعالیتهای در افشای اهداف غیراسلامی گروهها، خیلی زیاد نبوده است.

مقایسه میزان رضایت زنان و مردان کرد از فعالیتهای فرهنگی سپاه برای مقایسه میزان رضایت زنان و مردان کرد از فعالیتهای فرهنگی سپاه در دوران بحران کردستان، از آزمون آماری تی^۱ استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ذیل درج شده‌است.

جدول ۷- مقایسه میزان رضایت زنان و مردان کرد از فعالیت‌های فرهنگی سپاه

گروه	تعداد N	میانگین X	انحراف معیار S	d.f	t	sig
مردان	۱۰۶	۳/۲۸	۰/۳۲	۱۵۲	۰/۳۴	۰/۷۳
زنان	۴۸	۳/۳۰	۰/۱۷			

نتایج حاصل از مقایسه میزان رضایت زنان و مردان کرد از اقدامات فرهنگی سپاه نشان داد که بین میزان رضایت دو گروه، از حیث آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این در حالی است که میزان رضایت زنان کرد اندکی بیش از مردان کرد است.

خلاصه اطلاعات

به منظور ارائه تصویری کلی از یافته‌های تحقیق، میانگین و انحراف معیار نگرشها، نظرات و رضایت گروههای سنی مختلف به شرح مندرج در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۸- میانگین و انحراف معیار نظرات گروههای سنی مختلف در سه مؤلفه مورد بررسی

مؤلفه	گروههای سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
نگرش به پاسداران	۲۵-۳۰	۲۴	۹۰۲	۰/۰۲
	۳۱-۳۵	۲۲	۲/۷۸	۰/۳۷
	۳۶-۴۰	۶۰	۳/۴۵	۰/۱۰
	۴۱-۴۵	۲۴	۳/۴۵	۰/۱۶
	۴۶-۵۰	۴۶	۳/۲۵	۰/۱۷
رضایت از اقدامات فرهنگی	۲۵-۳۰	۱۲	۳/۲۰	۰/۱۶
	۳۱-۳۵	۳۴	۲/۸۹	۰/۳۳
	۳۶-۴۰	۶۰	۳/۴۴	۰/۱۵
	۴۱-۴۵	۲۴	۳/۴۰	۰/۱۶
	۴۶-۵۰	۲۴	۳/۴۰	۰/۱۶
ارزیابی میزان رضایت از اقدامات فرهنگی	۲۵-۳۰	۲۴	۳/۳۱	۰/۵۱
	۳۱-۳۵	۲۲	۳/۱۷	۰/۱۲
	۳۶-۴۰	۳۶	۳/۰۱	۰/۳۹
	۴۱-۴۵	۲۴	۳/۰۲	۰/۰۲
	۴۶-۵۰	۳۴	۳/۴۳	۰/۱۱

همان‌گونه که میانگین‌های درج شده در جدول بالا نشان می‌دهد در مجموع، میانگین‌های مربوط به رضایت «از اقدامات فرهنگی» بالاتر از میانگین‌های مربوط به دو مؤلفه دیگر است. افزون بر آن، نتایج نشان می‌دهد که در مجموع، میزان رضایت گروه‌های سنی از اقدامات فرهنگی، نگرش آنان به پاسدارانی که در کردستان (در دوران بحرآن) ایفای نقش کرده و در پاکسازی کردستان شرکت کرده‌اند و نیز ارزیابی آنان از اقدامات فرهنگی، در حد «زیاد» بوده است.

در سطور ذیل یافته‌های مندرج در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرند.

بحث در نتایج

افزایش شاخصهای فرهنگی

محققانی همچون: کریس کوچرا، رندل و کاتم، نشان داده‌اند که رژیم پهلوی تمایلی به افزایش شاخصهای فرهنگی (اعم از افزایش نرخ باسوادی، گسترش آموزش عالی، توسعه دانش عمومی، هنر و ادب) مردم کرد نداشته است؛ چه، آن رژیم بیم آن داشته است که با بهبود شاخصهای فرهنگی، سطح و تراز مطالبات قومی آنان افزایش یابد و رژیم را با تنش روبه‌رو سازد. به همین سبب، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی حدود نیمی از مردم کرد از سواد خواندن و نوشتن محروم بودند؛ جز در یکی دو شهر در سایر شهرها از سالن‌های سینما و تئاتر خبری نبود؛ تعداد کتابخانه‌های مناطق کردنشین بسیار محدود بود و خواندن و نوشتن به زبان کردی مطلقاً ممنوع بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و سلطه گروه‌های شورشگر بر مناطق کردنشین، نه تنها وضعیت شاخصهای فرهنگی آن دیار بهبود نیافت، بلکه کاهش یافت. برای مثال، با سلطه گروه‌ها، تقریباً کلیه مدارس مناطق کردنشین در سال تحصیلی ۵۹-۵۸ تعطیل اعلام شد و تمامی کودکان و نوجوانان کردستان حداقل به مدت یک‌سال از ادامه تحصیل بازماندند. افزون بر آن، در برخی مناطق کردنشین، سلطه گروه‌های شورشگر تا سالهای میانه دهه ۱۳۶۰ ادامه یافت و در تمام آن مدت مدارس آن مناطق تعطیل شد و همه کسانی که در سن تحصیل قرار داشتند از تحصیل بازماندند. به تعبیر دقیق‌تر، سلطه گروه‌ها با تعطیلی آموزش و پرورش و یادگیری و سوادآموزی همراه بود. به همین سبب در آن سالها یک نسل به نسل‌های بی‌سواد گذشته افزوده شد.

اثرات منفی سلطه گروه‌های شورشگر، در تنزل سطح آموزش و سواد مردم محدود نماند، بلکه بسیاری از مراکز فرهنگی (اعم از کتابخانه‌ها، سینماها، سالنهای نمایش و ...) نیز به تعطیلی گرایید. به همین سبب مردم کرد از حداقل امکانات فرهنگی موجود نیز محروم ماندند.

اما، سپاه با ورود به کردستان و سایر مناطق کردنشین، و متأثر از ماهیت اسلامی انقلاب اسلامی، تلاش وسیعی را برای راه‌اندازی مراکز فرهنگی (اعم از کتابخانه، کتاب‌فروشی، سینما و مراکز نمایش)، از سرگیری فرآیند آموزش رسمی، ایجاد مراکز آموزشی برای آموزش قرآن، احکام و ...، حمایت از اهل فرهنگ و هنر و ادب، ترمیم و تعمیر و بازسازی مراکز فرهنگی و مذهبی (مساجد، کتابخانه‌ها و ...) و جز آن مبذول داشت. حاصل این تلاشها طی یک دهه بحران کردستان، کاهش چشمگیر نرخ بی‌سوادی، افزایش دانش عمومی مردم، افزایش نرخ روزانه مطالعه، پرورش صدها قاری قرآن و نظایر آن بود. افزون بر آن، سپاه نه تنها خواندن و نوشتن به زبان کردی را ممنوع نساخت (برخلاف تبلیغ گسترده گروه‌های شورشگر)، بلکه بسیاری از مفاهیم فرهنگی را از طریق چاپ و ترجمه کتاب، انتشار ماهنامه (اصحاب انقلاب) و هفته‌نامه و تولید و پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیون به زبان کردی به مخاطبان خود انتقال داد. سنجش نظرات شهروندان کرد نیز بیانگر مطلوب و اثربخش بودن این‌گونه اقدامات است؛ چه، همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد، سنجش نظرات گروهی نمونه از شهروندان کرد پیرامون بیست و یک حیطة عملکرد فرهنگی سپاه در بحران کردستان نشان داد که شهروندان کرد در اغلب مؤلفه‌ها، عملکرد سپاه را رضایت‌بخش می‌دانند. به تعبیر دیگر، مردم کرد بر این باورند که سپاه توانسته است:

- نرخ بی‌سوادی را کاهش دهد؛
 - مردم را به مسائل فرهنگی علاقه‌مند سازد؛
 - فرهنگ قرآنی را بسط دهد؛
 - از اهل فرهنگ و هنر حمایت کند؛
 - زمینه‌های گسترش وحدت شیعه و سنی را فراهم سازد.
- از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که سپاه با بسط و گسترش اقدامات فرهنگی و آموزشی و اکتفا نکردن به عملیات نظامی و اطلاعاتی، بر انگاره‌ القایی نویسندگان و

رسانه‌های غربی، که کرد را مترادف اسلحه و جنگ و خشونت معرفی کرده‌اند، خط بطلان کشید و نشان داد که اگر بستر و زمینه فعالیت فرهنگی فراهم شود کردها با شوق و اشتیاق از آن استقبال می‌کنند، و از اقدامات ایدایی، شورشگرانه و خشونت‌آمیز، بیزار می‌جویند؛ زیرا روح عاطفی، ملاحظت‌جو و فاقد پیچیدگی کردها، نه تنها با اقدامات لطیف فرهنگی منافات ندارد، بلکه کاملاً با آن سازگار است. بسیاری از کارشناسان مسائل کردستان نیز تأکید می‌کنند که بسیاری از ۸۰۰۰ پیشمرگی که طی سالهای بحران کردستان خود را تسلیم نیروهای جمهوری اسلامی کردند، تحت تأثیر رویکرد و رویه فرهنگی سپاه، و نه رویه نظامی و قهرآمیز آن، قرار گرفته بودند.

نقش اقدامات فرهنگی سپاه در تغییر نگرش مردم کرد

بروئین سن (۱۹۹۲) تأکید می‌کند که کردها (خواه در ایران، ترکیه و عراق) هیچ‌گاه نگرش و نظر مساعدی به حکومت‌های خود نداشته‌اند. او در تأثیر ادعای خویش، بیش از هر چیز بر تلاش حکومت‌های سه کشور مذکور برای تحقیر کردها و خرده‌فرهنگ آنها تأکید می‌ورزند. به باور او، عراق و ترکیه و نیز ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، هنگام روبه‌رو شدن با بحران در مناطق کردنشین خود، به جای مبارزه با علت، به مقابله با معلول پرداخته‌اند. مراد او از این بیان آن است که حکومتها به جای آنکه ریشه‌های بروز بحران را، که اغلب چیزی جز احساس تبعیض، تحقیر فرهنگی و وجود فرصت‌های نابرابر نیست، از میان بردارند، به قلع و قمع کردها و تحقیر آنها پرداخته‌اند. چنین رویکردی نیز نه تنها موجب حل بنیادی بحران مناطق کردنشین نشده، بلکه بر کینه و نفرت کردها نسبت به حکومت مرکزی افزوده است و «کردستان را به انبار باروتی تبدیل کرده است که می‌تواند با کوچکترین جرقه‌ای مشتعل شود».

اما، سپاه با ورود به مناطق کردنشین چنین رویه‌ای را دنبال نکرد و بیشترین تلاش خود را نه در حیطه نظامی بلکه در حیطه فرهنگی و اجتماعی متمرکز ساخت. گرچه، اتخاذ چنین رویه‌ای موجب به دراز کشیده شدن فرآیند آزادسازی مناطق کردنشین شد، اما اثرات آن در حل بنیادین بحران کردستان ماندگارتر بود.

داده‌های حاصل از سنجش نظرات مردم کرد بیانگر درستی این ادعاست؛ زیرا وقتی یک دهه پس از اتمام بحران کردستان نگرشهای گروهی از شهروندان کرد پیرامون پاسداران و عملکرد آنان در آن بحران موجب سنجش قرار گرفت، مشخص شد که

اغلب کردها نگرش مطلوبی به پاسداران و عملکرد آنان در بحران کردستان دارند. به تعبیر دیگر، داده‌ها نشان داد که مردم کرد اولاً: پاسداران مقابله کننده با بحران کردستان را آدمهای مهربان و فاقد خشونت می‌دانند؛ ثانیاً: به پاسداران مسئول آزادسازی کردستان، عشق می‌ورزند و آنان را دوست می‌دارند و ثالثاً: حاضرند آن‌گونه رفتار کنند که پاسدارها می‌خواهند.

از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که پاسداران با رفتارها و عملکرد اسلامی خویش توانسته‌اند بر نگرشهای مردم کرد تأثیر بگذارند. آشکار است وقتی که نگرش مردم کرد به پاسداران مثبت است، لاجرم در آنان نگرشی منفی نسبت به نیات، مقاصد و عملکرد گروههای شورشگر شکل گرفته است. پیوستن هزاران نفر از اقشار کرد به سپاه، در همان سالهای آغازین آزادسازی مناطق کردنشین، نیز بیانگر آن است که عملکرد واکنش پاسداران از همان آغاز بر نگرش مردم کرد تأثیر مثبت داشته است.

پاسداران در یک دهه بحران کردستان چگونه توانسته‌اند با رفتار خویش بر نگرش مردم کرد تأثیر مثبت برجای نهند؟ نگارنده در مصاحبه و گفتگو با تنی چند از شهروندان کرد در پی یافتن پاسخ این سؤال برآمد. گفته‌ها و بیانات بسیاری از آنان شبیه هم بود. آنان اظهار می‌داشتند:

با ورود پاسداران به کردستان ما از آنان واهمه داشتیم. گروهها بارها و بارها در سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و نوشته‌های خود گفته بودند پاسدارها گروهی خشن، بی‌رحم و بی‌منطق هستند که به احدی از مردم رحم نمی‌کنند. اما، با ورود پاسدارها به کردستان، ما شاهد رفتارهایی بودیم خلاف آنچه گروهها ادعا کرده بودند. البته، در آغاز، رفتار ملاطفت‌آمیز پاسدارها را نوعی فریب می‌دانستیم. اما، گذشت زمان خلاف آن را نشان داد. هرچه زمان گذشت و پاسدارها بیشتر قدرت گرفتند و گروهها قلع و قمع شدند، پاسدارها مهربانتر شدند. آنها به کسی زور نمی‌گفتند، کسی را تحقیر نمی‌کردند، با گشاده‌رویی با مردم روبه‌رو می‌شدند، در مساجد حضور می‌یافتند و پشت سر روحانیون ما نماز می‌خواندند، از هیچ کمکی به مردم دریغ نمی‌ورزیدند، با اسرا و تسلیمی‌ها با عطفوت رفتار می‌کردند و خلاصه آنکه، آنان خود را جدای از مردم کرد نمی‌دانستند، همیشه در بین مردم و با مردم بودند.

ناگفته آشکار است که رفتار و شیوه برخورد فرماندهان سپاه بیش از بقیه بر نگرش مردم کرد تأثیر مثبت گذاشته است. چه، اینان خود سرمشق سایر نیروها بوده‌اند. به همین سبب، مردم کرد هرگز گشاده‌رویی، اخلاق نیکو و مردم‌آمیزی فرماندهانی همچون ناصر کاظمی، محمد بروجردی، ابوعمار، طیاره و احمد متوسلیان را از یاد نمی‌برند. اینان به میان مردم می‌رفتند و با آنان به گفتگو می‌نشستند. در جشن و شادی و عزا و ماتم مردم شرکت می‌کردند، نیازمندیهای مردم را برآورده می‌ساختند و به خواسته‌های آنان رسیدگی می‌کردند.

به عنوان موردی از صدها مورد گفته‌های یکی از ساکنان روستای استراتژیک دزلی مریوان (عمر مردوخی) در خصوص احمد متوسلیان، فرمانده وقت سپاه مریوان، گویای این واقعیت است:

پس از پاکسازی دزلی، برادر احمد^۱ مردم روستا را جمع کرد و برای آنان سخنرانی کرد. او پس از سخنرانی به گفتگو با مردم پرداخت و ضمن آن متوجه شد که مردم روستا، چون مدت زیادی به سبب حضور تشکیلات حزب دمکرات در آن روستا در محاصره بوده‌اند، به شدت از کمبود مواد غذایی، دارویی و بهداشتی رنج می‌برند. به همین خاطر با صدای بلند، به گونه‌ای که همه بشنوند، اعلام کرد: «مردم من دیگر به روستای شما نمی‌آیم مگر اینکه با خود مواد غذایی و دارویی بیاورم.» و بلافاصله با مردم خداحافظی کرد و رفت. اما، یک هفته نگذشته بود که چند کامیون مواد غذایی و بهداشتی و دارویی به دزلی آوردند. برادر متوسلیان آن قدر مواد غذایی فرستاده بود که چند هفته کسی در دزلی نیازی به مواد غذایی دیگری نداشت.

تأثیر بر ارزشها، هنجارها و آداب و رسوم

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد عملیات مردم‌پاری سپاه در مناطق کردنشین نوعی اشاعه فرهنگی بود. سپاه در چنین فرآیندی، نخست ارزشهایی همچون: باورهای عمیق مذهبی (توحید، نبوت، معاد)، اعتقاد به اصالت دین و مذهب، تکریم روحانیون و جز آن و نیز هنجارهایی همچون: نماز جمعه و جماعت، پاسداشت ایام‌الله، جشن مولود، صلح رحم و جز آن را تقویت کرد. سپس، ارزشها و هنجارهای متباین با ارزشها و

هنجارهای مذهبی نظیر ملی‌گرایی، تفردجویی، زن به زن و ... را به تدریج و به صورت برنامه‌ریزی شده مورد آماج قرار داد. حاصل چنین اقداماتی منسوخ شدن برخی الگوهای رفتاری ناهنجار و تقویت ارزش و هنجارهای دینی (اسلامی) بود.

نظرسنجی از مردم کرد نشان داد که آنان از کنش‌وری (کارکرد) سپاه در قلمروهای حساس و مهمی همچون هنجارها و ارزشها رضایت دارند. این بدان معناست که سپاه در عملیات مردم‌یاری فرهنگی خود هرگز مذهب مردم کرد و پاره‌ای از سنن پایدار مذهبی آنان (نظیر جشن مولودی و حتی اعتقادات دراویش و صوفیان) را مورد حمله قرار نداده است؛ زیرا آشکار است که حمله به باورهای بنیادی، و نگرشها و ارزشهای اساسی مردم واکنش آنان را برمی‌انگیزد.

تأمل و نگاهی دوباره به داده‌های موجود بیانگر آن است که از نظر مردم کرد سپاه در عملیات مردم‌یاری فرهنگی خود:

- کاملاً به اعتقادات دینی مردم احترام گذاشته؛ زیرا سپاه هیچ‌گاه در پی آن نبوده است که مردم اهل سنت، دست از اعتقادات خود بردارند.
- از روحانیون و شخصیت‌های مقبول و مورد احترام کرد بهره گرفته؛ زیرا می‌دانسته است که آنان بیش از دیگران قادرند بر مردم کرد تأثیر بگذارند.
- هرگز نه تنها با زبان و ادبیات کردی به مخالفت نپرداخته، بلکه در تبلیغ و گسترش تکلم و تألیف با آن نیز کوشش کرده است. کمک در راه‌اندازی و نشر نشریه سرو، ناوینه و اصحاب انقلاب، تولید برنامه‌های رادیو-تلویزیونی و جز آن گواهی است بر این مدعا.
- بسیاری از امور فرهنگی را به جوانان فرهیخته و مؤمن کرد سپرده است. به همین سبب، همواره بیش از نیمی از اعضای تشکیلات فرهنگی سپاه در شهرها و بخشهای مختلف کردنشین را نیروهای کرد تشکیل داده‌اند.

سپاه افزون بر اشاعه فرهنگی، از فرهنگ‌پذیری نیز به منظور تحقق اهداف مردم‌یاری فرهنگی خود بهره گرفته است. برای این منظور، از یک سو، هر ساله هزاران تن از مردم کرد، اعم از شهری و روستایی را در قالب اردوهای مختلف به مناطق مختلف ایران اعزام کرده است. در هر یک از این اردوها شرکت‌کنندگان فرصت می‌یافتند تا با مردم مناطق ایران ارتباط پیدا کنند و عناصری از فرهنگ آنان را اخذ کنند.

از سوی دیگر، هر ساله صدها تن از شهروندان شهرهای مختلف ایران به کردستان اعزام می‌شوند و با حضور در مساجد، اماکن عمومی و حتی منازل مردم با مردم کرد ارتباط و تعامل پیدا می‌کردند. افزون بر آن، صدها تن از نوجوانان و جوانان شهرهای مختلف ایران در قالب طرحهای مختلف در دبیرستانهای مناطق کردنشین مشغول تحصیل شدند، تا هم با نوجوانان و جوانان کرد ارتباط و تعامل پیدا کنند و هم برنامه‌ها و طرحهای فرهنگی سپاه را در مراکز آموزشی اجرا نمایند.

آشکار است که اقدامات فرهنگی مذکور بر نگرش مردم کرد پیرامون سایر مردم ایران و نیز بر نگرش مردم ایران پیرامون کردها تأثیر مثبت گذاشته است؛ زیرا این دو وقتی در کنار همدیگر قرار گرفته‌اند، با مشاهده اشتراکات فرهنگی و دینی، و نیز صداقت خود نسبت به همدیگر، پیشداوری پیرامون یکدیگر را کنار گذاشته و نگرشی مثبت به یکدیگر پیدا کرده‌اند. افزون بر آن، چنین تعاملاتی امکان اخذ عناصر مثبت فرهنگی را برای هریک از آنان فراهم کرده است. نهایتاً به نظر می‌رسد که این گونه اقدامات، نقش پراهمیتی در کاهش حس واگرایی کردها داشته است؛ زیرا واگرایی زمانی رخ می‌نماید که یک گروه یا قوم بین خود و نظام و فرهنگ حاکم و غالب، وجوه اشتراک اندکی بیابد. اما، مردم کرد در تعامل با سایر ایرانیان دریافته‌اند که اشتراکشان با فرهنگ غالب ایران بسیار بیش از اشتراک آنان با سایر فرهنگها است.

- ۱- ابلاس، ادگار (۱۳۷۷)؛ جنبش کردها، ترجمه اسماعیل فتاح قاضی، تهران، انتشارات نگاه.
- ۲- ابراهیمی، صالح (۱۳۷۰)؛ *تحلیلی کوتاه بر شورش کردستان*، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- ۳- احمدرش، رشید (۱۳۸۱)؛ «دولت - ملت‌ها در تقابل با اقلیتهای قومی - فرهنگی»، تهران، نشریه راقه، شماره ۲.
- ۴- بروین سن، وان (۱۳۷۸)؛ *جامعه‌شناسی مردم کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر پاییز.
- ۵- تدگر، رابرت (۱۳۷۷)؛ *چرا انسانها شورش می‌کنند؟*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- رندل، جاناتان (۱۳۷۹)؛ *با این رسوایی چه بخشایشی؟* (تحلیل مسائل سیاسی کردستان)، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات پاییز.
- ۷- السن، رابرت (۱۳۸۰)؛ *مسأله کرد و روابط ایران و ترکیه*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات پاییز.
- ۸- عرشاهی، فروغ‌الزمان (۱۳۸۱)؛ «تأثیر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای بر اوضاع کردستان ایران»، تهران، نشریه راقه، شماره ۲.
- ۹- کاتم، ریچارد (۱۳۷۸)؛ *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران، [بی‌نا].
- ۱۰- کارتی، مک (۱۹۹۴)؛ به نقل از: ناسیونالیسم در ایران، محمدرضا (۱۳۷۹)، مدی تهران، فرهنگ گفتمان.
- ۱۱- کوچرا، کریس (۱۳۷۷)؛ *جنبش ملی کرد*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه.
- ۱۲- منوچهری، اکبر؛ *جمهوری اسلامی ایران و کردها*، تهران، [بی‌نا].
- ۱۳- نیکتین، واسیلی (۱۳۶۳)؛ *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات درایت.

English Reference

1. Abramson, F. R. (1987); *An Introduction to Social and Behavioral Science*, New York : Greenwood Press.
2. Gedvin, F. (1998); *Cultural Basis of Behavior*, www.social science.
3. Gringor, L. M. (1988); *Kurdish in Iran and Iraq*, New York: McGraw-Hill.
4. Harris, W. (1996); "The Basic Concepts of Psychological Warfare", *The Journal of Social Psychology*, 19, 118.131.
5. Heine-Geldern (1997); *Cultural Diffusion*, New York : Greenwood Press.
6. Makie, I. and Smith, M. (2001); *Social Psychology*, CA : Wads Worth.
7. Miligen, S. (1967); *Sociology*, Boston: Mc Graw-Hill.
8. Rachman, S. (1981); *Dictionary of Social Science*, Chicago : Riverside Press.
9. Raibar, (1985); *Dictionary of Psychology*.
10. Singer, J. (1985). *Culture and Social Psychology*, CA. Wads Worth.
11. Spiro, S. (1972); "Wars and Cultures", *The Journal of Public Opinion*, 18, 150-161.
12. Stark, R. (1991); *Nationalism and Kurdish*, Cambridge University Press.